

موتورگازی، قیچی

ومن

خاطرات طنز آمیز واقعی

ر. شرقی میلانی

سرشناسه	: شرقی میلانی، راحله سادات ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: موتور گازی قیچی و من: خاطرات طنزآمیز واقعی / ر. شرقی میلانی.
مشخصات نشر	: تبریز: ایشیق، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۵۴ ص.
شابک	: 978-600-5447-38-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: خاطرات طنزآمیز واقعی.
نوع	: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Short stories, Persian -- 20 th century
موضوع	: داستان‌های طنزآمیز فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Humorous stories, Persian -- 20th century
رده - ی کنگره	: PIR۸۳۴۹/۷۶۶۸ ۱۳۹۶
رده - ی دیسی	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابخانه	: ۳۷۶۵۳۹۱

تسلسنامه کتاب:

نام کتاب: موتور گازی قیچی و من

مؤلف: ر. شرقی میلانی (فانی)

تعداد صفحات: ۵۴ صفحه

ناشر: ایشیق

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

محل چاپ: تبریز

چاپ اول ۱۳۹۷

چاپ و صحافی: پیشگام

قطع: جیبی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۴۴۷ - ۳۸ - ۵



نشر ایشیق

۰۹۱۲۱۴۷۳۰۸۷ ۳۶۶۰۷۱۱۰

www.Ishigh.ir

فهرست

.....	مقدمه	۵
.....	خاطره موتورگازی و آبجی	۱۱
.....	خاطره موتورگازی و دایی مهدی	۱۸
.....	خاطره قیچی و موهای خاله مریم	۲۲
.....	خاطره دوه آووش آرایشگری	۲۵
.....	خاطره قیچی و آبجی	۲۸
.....	خاطره دایی و قیچی	۳۰
.....	خاطره همسر و قیچی	۳۱
.....	خاطره دایی و جوراب	۳۳
.....	خاطره داوود تو ماشین کم می شه	۳۴
.....	خاطره بخاری و همسر	۳۸
.....	خاطره جلیقه ممد	۴۱
.....	خاطره خدا تو را رحمت کند	۴۴
.....	خاطره کیک با آب قلم استخوان	۴۵
.....	خاطره کولرگازی	۴۷
.....	خاطره زرده تخم مرغ	۴۸
.....	خاطره کته و بوی کته	۵۰
.....	خاطره تبصره برای انضباط	۵۱
.....	خاطره پنی سیلین	۵۱
.....	خاطره شله زرد خاله	۵۳

مقدمه

خنده بر هر درد بی درمان دواست.

اگر هرکسی بتواند شادی و نشاط و خنده را در خود ایجاد کند بدن او هورمونی بنام آندروفین ترشح می کند که نشئگی طبیعی به انسان بازتاب می شود.

اکثر افرادی که به مشروبات الکلی پناه می برند و یا با مواد مخدر خود را سرگشته می کنند به دلیل آن است که این مواد می تواند آندروفین ترشح کند و نشئگی به افراد بدهد چون آنها بلد نیستند و نمی توانند برای خود شادی و خنده ایجاد کنند.

البته ایجاد خنده و نشاط تمرین می خواهد و هنریست که هرکسی نمی تواند هم بخندد و هم بخنداند.

ما مردم وقتی می بینیم فردی با نشاط و شادمانه روبرو است با خود می گوئیم خوش به حالش غمی ندارد. چقدر بی خیال است. و یا شاید بگوئیم احمق است و خیلی سبک و جلف است.

البته یادمان باشد هر چیزی به اندازه خوب است نه اینکه در حد افراط و تفریط قرار بگیرد.

در خنده چندین ماهیچه صورت و چندین ماهیچه بدن در حرکت درمی‌آید و مثل ورزش برای بدن لازم است.

خنده مسری است و گریه و غم و اندوه هم همچنان. وقتی در خای کسی یا کسانی می‌خندند حتی افرادی که نمی‌دانند ادباً برای چه می‌خندند ناخودآگاه به خنده درمی‌آیند و وقتی در خای محلی کسی با اخم و غم و غصه وارد می‌شود ناخودآگاه جمع با هم آلوده می‌کند. اگر باور ندارید امتحان کنید.

امتحان کرده‌ام وقتی در جمعی کسی موضوعی را باز می‌کند بقیه در محور همان موضوع بحث‌های شبیه را بازگو می‌کنند وقتی کسی شروع به گفتن احوال مردم می‌کند بقیه برای اینکه کم نیاورد اموال عمومی پولدارش را بازگو می‌کند و دیگری دایمی خلاصه تا پایان جلسه و مهمانی همه در حال غیبت و حسابرسی اموال مردم می‌شوند و در پایان مجلس همه دست خالی آن جلسه را ترک می‌کنند.

زیاد فکر کردم که چطور می‌توانم در این مجلس پر از غیبت کاری کنم که هم برای همه خوش بگذرد و هم غیبتی در آن نباشد.

اولاً باید فن بیان داشته باشید و بتوانید برای اینکه در سخنرانی یا لطیفه خوبی بیان کنید از تقلید صدا و لحن و حرکات بدن خوب استفاده کنید آنوقت می‌شود یک (stard up) مدیتر.

و تو شروع می‌کنی بقیه هم شروع می‌کنند به خاطر تعریف کردن و با لطیفه‌های خنده‌دار. در خیلی از مجالس اتفاق افتاده که اینگونه شروع کرده‌ام.

با آب و تاب و گاهی با صدای بلند و گاهی با صدای پایین و با حرکات دست گفته‌ام گوش کنید، گوش کنید. یک خاطره داغ و خنده‌دار برایتان دارم. همه گوش می‌شوند و یک کلمه هم حرف نمی‌زنند و همه موبایل‌ها غلاف می‌شود.

هرکسی خاطره خنده‌دار می‌تواند داشته باشد و یا خلق کند.

خالق لحظات خوش باشید و در این زمینه تمرین کنید
از لحظات بد هم می شود خاطرات خوش و خنده دار خلق
کرد و بعدها به دیگران تعریف کرد و خندید.

زندگی جدی نیست بیایید شوخی را جدی تر بگیریم

زندگی ارزش این همه غم و غصه را ندارد می دانید که
۸۰ درصد امرانی از استرس ها و غم و غصه ها نشأت
می گیرد.

می دانید ۸۰ درصد سرطان ها با روحیه و امید درمان
می شود و فقط ۲۰ درصد دارو اثر دارد

روحیه و امید با خنده همراه است به با غم و غصه و
قیافه عبوس. فقط کافیت قیافه تان را دهم بشید تا غم
و غصه خودشان پیدا شود. و کافیت تبسم کنید که
ناخودآگاه خنده وارد میدان شود.

موضوع نوشتن هر کتابی از جایی نشأت می گیرد.

و من چون خاطرات شیرین و خنده داری داشتم که
می توانستم جمعی را به خنده وادارم تصمیم گرفتم با نوشتن

آنها جمعی دیگر را به خنده وادارم.

گفتن و تعریف کردن زنده با نوشتن فرق می‌کند شما در هنگام خواندن اگر می‌خواهید به خنده‌هایی که در جمع ایجاد شده برسید می‌توانید خودتان خاطرات مرا که نوشته‌ام بازی کنید تا به خنده‌های واقعی برسید.

در این زندگی پرطالام و امواج سهمگین جای خنده‌ها خالی است یعنی نودمان به آن فکر نمی‌کنیم و بیشتر به طرف غم رانده می‌ویم تا خنده و افسردگی را بیشتر در آغوش می‌کشیم. علتش چیست؟

چشم هم چشمی و حسد، کینه، زیاده‌خواهی، قانع و راضی نبودن پرادعا بودن و افکار منفی هر چقدر ما را با غم و غصه نزدیک می‌کند ما را از خنده دور می‌کند و برعکس. افکار مثبت از جمله نیکی به دیگران، اخلاق نیک، قبول مرگ، منطقی بودن، قبول واقعیت ... ما را به نشاط و شادی و خنده سوق می‌دهد و ما را از امراض دور نگه می‌دارد.

پس بیایید با هم بخندیم

به همدیگر نخندیم.